

بررسی و نقد النحو الغائب

محمد اجاقی*

سیدمحمدرضا ابن‌الرسول**

چکیده

النحو الغائب اثری است درباره‌ی نحو زبان عربی که پدیدآورنده آن تلاش دارد با رویکردی متفاوت و روزآمد به توصیف نحو زبان عربی بپردازد، به طوری که این توصیف مناسب و برآورنده نیازهای عربی‌آموزان عربی‌زبان و به‌ویژه غیرعربی‌زبان باشد. این کتاب، چنان‌که خود نویسنده هم چنین باوری دارد، دارای سه ویژگی است که در دیگر آثار هم‌نوع خود یافت نمی‌شود: ۱. تمایز قائل شدن میان عربی‌زبانان و غیرعربی‌زبانان در تدوین کتاب‌های نحوی و آموزش آن؛ ۲. رها شدن از سیطره‌ی نحو نحات و نزدیک شدن به نحو زبان عربی و ۳. توجه به تحول در اصول نحو به جای پرداختن به فروع آن. با توجه به همین رویکرد و ویژگی‌ها، در این مقاله تلاش می‌شود اثر یادشده با استفاده از معیارها و ابزارهای علمی بررسی و ارزیابی شود تا مشخص شود که چه اندازه از ویژگی‌های علمی یک اثر فنی و تخصصی برخوردار است؟

کلیدواژه‌ها: نحو عربی، عمر یوسف عکاشه، النحو الغائب، آموزش زبان عربی.

۱. مقدمه

شکوه از نحو عربی در امر آموزش و یادگیری آن مسئله‌ای است که شاید بتوان برای آن قدمتی به طول عمر خود علم نحو تخمین زد و این همه ریشه در گستردگی و پیچیدگی

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول) mehr5064@yahoo.com

** استادیار زبان و ادبیات عربی، دانشگاه اصفهان ibnalrasool@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۷/۲۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۹/۲

بیش از اندازه این دانش پخته و سوخته دارد، که از همان آغاز شکل و تدوین، موطن ظرایف، دقایق، و الغازی می‌شود که هنوز از دست آن‌ها رهایی نیست. پس از تدوین اولین اثر در نحو عربی که *الکتاب* نام می‌گیرد، نحوپژوهان بعدی با بسط و توضیح و شرح مسائل آن تلاش می‌کنند پیچیدگی و ابهام آن‌ها را مرتفع سازند. اما با این اقدامات از هدف خود دور می‌شوند و باعث ابهامات و پیچیدگی‌های بیش‌تری می‌شوند. پس از آن جریان سومی شکل می‌گیرد که سعی دارد با حذف مطالب غیرضروری، دسته‌بندی مطالب از ساده به دشوار، و مختصرسازی آموزش و یادگیری نحو را آسان و روان سازد؛ اما این جریان نیز هنوز به هدف خود نرسیده و شکوه از آموزش و یادگیری زبان هم‌چنان باقی است.

پدیدآورنده *النحو الغائب* در اثر حاضر و آثار دیگرش بر آن است تا این مشکل را مرتفع سازد. بنابراین، تلاش می‌کند با آمیختن تئوری و عمل و بهره‌گیری از یافته‌های علمی در شاخه‌های گوناگون زبان‌شناسی و تجربیات میدانی خویش، نظریه و چهارچوبی ارائه دهد که برآورنده بخشی از نیازها و حل‌کننده برخی مشکلات در حوزه آموزش نحو عربی برای عربی‌زبانان و غیر عربی‌زبان باشد.

نگارندگان در این مقاله، با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی و ارزیابی این اثر در چهارچوب نظریه و رویکرد مطرح در آن می‌پردازند و تلاش دارند ویژگی‌های فنی آن را در سه سطح صوری، ساختاری، و محتوایی با طرح پرسش‌های ذیل و پاسخ به آن‌ها تبیین کنند:

۱. کیفیت شکلی و چابی اثر چگونه ارزیابی می‌شود؟
۲. میزان رعایت قواعد عمومی ویرایش و نگارش در چه سطحی است؟
۳. اثر حاضر از چه جامعیت صوری‌ای برخوردار است؟
۴. میزان و چگونگی بهره‌گیری از ابزارهای لازم علمی (طرح بحث مقدماتی، نتیجه و جمع‌بندی نهایی، تمرین و آزمون، جدول، تصویر، نمودار، و نقشه) برای تفهیم موضوع چگونه است؟
۵. کیفیت، میزان کاربرد، و معادل‌سازی اصطلاحات تخصصی در این اثر (با توجه به روان و رسا بودن نزد مخاطب تخصصی آن) چگونه ارزیابی می‌شود؟
۶. میزان انطباق محتوای اثر با عنوان و فهرست آن در چه حد است؟
۷. میزان روزآمدی داده‌ها و اطلاعات اثر از جهت ارجاع به منابع جدید یا مواردی از

این دست در چه وضعی است؟

۸. آیا نمونه‌هایی از نوآوری (اعم از طرح نظریه علمی جدید، ارائه ساختار علمی نو، به‌کارگیری ادبیات علمی روزآمد، طرح یک افق نو و خلاقیت ویژه، تنظیم جدید مباحث، و ...) در این اثر وجود دارد؟

۹. نظم منطقی و انسجام مطالب در کل اثر (تسلسل عناوین کلی کتاب) و نیز درون هر فصل (تسلسل عناوین جزئی و پیوند با نتیجه اثر) چگونه است؟

۱۰. نحوه نقد و بررسی‌ها در این اثر و میزان رعایت بی‌طرفی علمی در تحلیل‌های آن چگونه است؟

۱۱. میزان سازواری محتوای علمی و پژوهشی اثر با مبانی و پیش‌فرض‌های مورد قبول اثر، به‌ویژه سازواری محتوای علمی اثر با مبانی و اصول دینی و اسلامی، چگونه ارزیابی می‌شود؟

۲. معرفی کلی النحو الغائب و مؤلف آن

معرفی کتاب با بررسی آن تفاوت دارد، اما از آن‌جا که بررسی هر کتاب غالباً همراه با معرفی آن صورت می‌گیرد، در این مقاله نیز پس از معرفی اجمالی کتاب به بررسی آن پرداخته می‌شود. در این بخش، کتاب‌شناسی، موضوع کتاب، معرفی بخش‌های آن، روش کار نویسنده، و جایگاه کتاب در مجامع علمی بررسی می‌شود. علاوه بر معرفی شناسنامه‌ای و شکلی، ویژگی‌ها و محورهای اصلی و مهم اثر و نیز موقعیت و رویکرد مؤلف معرفی می‌شود تا خواننده ذهنیتی روشن به آن به دست آورد و با ویژگی‌های شخصیتی، فکری، علمی، و سایر آثار مهم مؤلف نیز آشنا شود.

۱.۲ مؤلف

نویسنده النحو الغائب حسن عمر یوسف عکاشه است که در سال ۱۹۶۹ در کویت به دنیا آمد. عکاشه دارای ملیت اردنی، متأهل و صاحب چهار دختر است. تحصیلات قبل از دانشگاهش را در ۱۹۸۸ در کویت به اتمام رساند. در ۱۹۹۲ در رشته زبان و ادبیات عربی از دانشگاه یرموک واقع در اربد اردن با رتبه ممتاز فارغ‌التحصیل شد. سه سال بعد در همان رشته، مدرک کارشناسی ارشد را از دانشگاه اردن اخذ کرد. موضوع پایان‌نامه او «الفعل الرباعي فی لسان العرب (دراسة تأصيلية)» با راهنمایی اسماعیل عمایره است. در سال

۲۰۰۱ در همان دانشگاه و در همان رشته، تحصیلات مقطع دکترای خود را با موضوع «نَظْمُ الْعَرَبِيَّةِ: نَحْوُ تَوْصِيفِ جَدِيدٍ فِي مُقْتَضَى تَعْلِيمِ الْعَرَبِيَّةِ لِلنَّاطِقِينَ بغيرِها» با راهنمایی نهاد الموسی به پایان رساند.

از سپتامبر ۱۹۹۴ تا آگوست ۱۹۹۷ با کانون زبان دانشگاه آل‌البيت مفرق اردن همکاری داشت و پس از آن تاریخ تاکنون در کانون زبان دانشگاه یرموک اردن به تدریس زبان عربی مشغول است. هم‌اکنون در آن مرکز به رتبه علمی دانشیاری رسیده است و چندین پایان‌نامه را راهنمایی یا داوری کرده است. عمر عکاشه علاوه بر همکاری با این دو دانشگاه، در سال‌های ۱۹۹۳ و ۱۹۹۴ با کانون زبان دانشگاه اردن و در سال ۲۰۱۱ با گروه زبان‌های جدید دانشگاه می‌سی‌سی‌پی آمریکا همکاری داشته است.

۲.۲ آثار پژوهشی

از عکاشه علاوه بر النحو الغائب، کتاب‌ها و مقالات دیگری به چاپ رسیده است که در ذیل به شماری از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱.۲.۲ کتاب‌ها

۱. العربية الوظيفية: كتاب الأصوات - المستوى الأول، سلسلة جامعة آل البيت لتعليم اللغة العربية لغير الناطقين بها، منشورات جامعة آل البيت، ۱۴۱۸ هـ / ۱۹۹۷ م.
۲. العربية الوظيفية: المهارات الأساسية - المستوى الثاني، بالاشتراك مع محمود الحلحولي، سلسلة جامعة آل البيت لتعليم اللغة العربية لغير الناطقين بها، منشورات جامعة آل البيت، ۱۴۱۸ هـ / ۱۹۹۷ م.
۳. تأسيساً لوعى لغوى مختلف: دفع دلالة التوكيد عن (إن) وأبحاث أخرى، الناشر: عالم الكتب الحديث، ۲۰۱۳ م، ۴۳۷ صفحه.

۲.۲.۲ مقالات

۱. «تردُّدُ المقول بين الحكاية والإخبار في القرآن الكريم»، ملاحظات وتعليقات تمهيدية على نقل الكلام في العربية، المجلة الأردنية في اللغة العربية وآدابها، المجلد (۵)، العدد (۱)، محرّم ۱۴۳۰ق / كانون الثاني ۲۰۰۹ م، ص ۱۸۷-۲۲۲.
۲. «من قضايا فعل القول (قال) في اللغة العربية»، مجلة مجمع اللغة العربية الأردني، العدد (۷۴)، السنة الثمانية والثلاثون، ذو الحجة - جمادى الآخرة ۱۴۲۹ق، كانون الثاني - حزيران ۲۰۰۸ م.

۳. «(إِنَّ) وَ(أَنَّ) وَ(إِنْ)»، دراسة في العلاقات التركيبية والتطور اللغوي، مجلة جامعة أم القرى لعلوم الشريعة واللغة العربية وآدابها، المجلد (١٩)، العدد (٤١)، جمادى الثاني ١٤٢٨ ق، يونية حزيران) ٢٠٠٧ م، ص ٣٣٣-٣٨٨.

٤. «مِيزُ العَنَاصِرِ المُتَصَاقِبَةِ دَلَالِيًا فِي اللُّغَةِ العَرَبِيَّةِ»، اسْتِكْمَالًا لِلنَّقْصِ فِي كِتَابِ تَعْلِيمِهَا لِلنَّاطِقِينَ بغيرها، البقاء للبحوث والدراسات، عمادة الدراسات العليا والبحث العلمي، جامعة عمان الأهلية، المجلد (١١)، العدد (٢)، ربيع الثاني ١٤٢٧، حزيران ٢٠٠٦.

٥. «(أَنَّ) أداة ربط وإظهار لا أداة تأكيد»، أبحاث اليرموك، منشورات جامعة اليرموك - عمادة البحث العلمي والدراسات العليا، المجلد الثاني والعشرون، العدد الثاني، ٢٠٠٤، ص ١٤٥-٢١٣.

٦. «وُجُوهُ العَلاقَةِ الدَلَالِيَّةِ فِي بَابِ المَفْعُولِ مِنْ أَجْلِهِ وَمَا هُوَ بِمَنْزِلَتِهِ»، أبحاث اليرموك، منشورات جامعة اليرموك - عمادة البحث العلمي والدراسات العليا، المجلد الحادي والعشرون، العدد الثاني، ٢٠٠٣، ص ٢٩١-٤٤٣.

٧. «قَوَاعِدُ التَّعْبِيرِ عَنِ الزَّمَنِ المَاضِي فِي اللُّغَةِ العَرَبِيَّةِ»، الدِّراسَاتُ الإِسْلامِيَّة، مجمع البحوث الإسلامية - الجامعة الإسلامية العالمية، إسلام آباد - باكستان، العدد الرابع، المجلد السابع والثلاثون، الشتاء (أكتوبر - ديسمبر) ٢٠٠٢ م / جمادى الثاني - شعبان ١٤٢٣ ق، ص ١٢١ - ١٦٣.

عمر يوسف عكاشه كتابها و مقالات ديگری هم دارد که هنوز منتشر نشده است؛ به همین سبب از ذکر آن‌ها صرف نظر می‌شود. این آثار و پژوهش‌ها نشان‌دهنده آن است که عمر عکاشه در زمینه زبان عربی به پژوهش و آموزش مشغول است و تلاش دارد در عرصه آموزش عربی برای غیر عربی‌زبانان منشأ تحول باشد.

٣.٢ کتاب‌شناسی

النحو الغائب در ٢٠٠٣ میلادی، در یک جلد، با قطع وزیری و در ٤١٣ صفحه از سوی المؤسسة العربية للدراسات والنشر واقع در بیروت منتشر شد. شمارگان چاپ نخست در کتاب‌نامه قید نشده است. نهاد الموسی، استاد زبان عربی دانشکده ادبیات اردن، مقدمه‌ای بر این کتاب نگاشته است. کیفیت شکلی و چاپی اثر از لحاظ حروف‌نگاری، صفحه‌آرایی، صحافی، و طرح جلد خوب و مناسب ارزیابی می‌شود. رعایت قواعد عمومی ویرایش و نگارش در این اثر مطلوب و مناسب است. به طوری که خواننده در آن با مشکلی مواجه نمی‌شود. البته ارزیابی دقیق و علمی این مقوله نیازمند شیوه‌نامه‌ای جامع است که مختص قواعد ویرایش و نگارش زبان عربی باشد و از سوی فرهنگستان‌های زبان عربی مصوب

شده باشد، چنان‌که درباره قواعد ویرایش و نگارش زبان فارسی موجود است، اما متأسفانه هم‌اکنون چنین شیوه‌نامه‌ای در دسترس نیست.

۴.۲ موضوع کتاب

این کتاب در واقع پایان‌نامه عمر عکاشه در مقطع دکتری است. موضوع کتاب، چنان‌که از عنوان آن پیداست، درباره نحو زبان عربی و آموزش آن برای عربی‌زبانان و غیرعربی‌زبانان است. این کتاب در واقع حاصل مطالعات و تجربیات نویسنده درباره زبان عربی و آموزش آن به عربی‌زبانان و غیرعربی‌زبانان است. پدیدآورنده آن تلاش دارد توصیفی جدید از نحو عربی ارائه دهد که هم از یافته‌های زبان‌شناسی نوین بهره‌مند گردد و هم برای عربی‌آموزان غیرعربی‌زبان مناسب باشد.

۵.۲ جامعیت صوری کتاب

جامعیت صوری النحو العائب در قالب جدول ذیل بیان می‌شود:

جدول ۱. جامعیت صوری النحو العائب

پیش‌گفتار	بیان هدف اثر		مقدمه		فهرست مطالب			جدول، تصویر، نمودار، و نقشه		
	صریح	ضمنی	کلی	فصول	اجمالی	تفصیلی	جدول	تصویر	نمودار	نقشه
*	*			*		*	*	*	*	ندارد

کتاب‌شناسی	فهرست			نتیجه و جمع‌بندی		خلاصه		تمرین و آزمون
	منابع	موضوعی	اعلام	فصول	کلی	کلی	فصول	
ندارد	*	ندارد	ندارد	ندارد	*	ندارد	ندارد	*

همان‌گونه که جدول مذکور گویای آن است، اثر حاضر از جامعیت صوری مناسبی برخوردار است، هر چند فاقد برخی بخش‌ها مانند خلاصه، فهرست اعلام و موضوعی، و کتاب‌شناسی است.

۶.۲ محتوای کتاب

اثر حاضر از چهار بخش تشکیل شده است که گزارش کوتاهی از هر کدام ارائه می‌شود:

۱.۶.۲ مقدمه

نویسنده در مقدمه به انگیزه، اهداف، روش، محتوا، و نکات ضروری درباره اثر پرداخته است. او ارائه تئوری‌ای جدید در توصیف دستور زبان عربی با توجه به نوع زبان‌آموز (عربی‌زبان یا غیرعربی‌زبان)، نوع خطاهایی که مرتکب می‌شود، تقسیم قواعد نحوی به دو دسته نحو مشترک بین عربی‌آموزان عربی‌زبان و غیرعربی‌زبان، نحو مختص به عربی‌آموزان غیرعربی‌زبان، و بهره‌مندی از یافته‌های زبان‌شناسی نوین را از انگیزه‌ها و اهداف خود برمی‌شمارد. از نظر عمر یوسف عکاشه پژوهش او بر اصول زبان‌شناسی نظری (theoretical linguistics)، زبان‌شناسی توصیفی (descriptive linguistics)، زبان‌شناسی تاریخی (historical linguistics)، زبان‌شناسی کاربردی (applied linguistics)، نظریه زیرساخت (deep structure)، سطح نحوی جمله (pure syntax)، و سطح معنایی (semantics) استوار است.

۲.۶.۲ تمهید (پیش‌گفتار)

نویسنده در پیش‌گفتار به چالش و شکوه‌ای می‌پردازد که از گذشته تا به حال متوجه نحو زبان عربی بوده است؛ او نظرها و راهکارهای گذشتگان و معاصران را در این حیطة تبیین کرده است و در پایان، جایگاه اثرش را در این میان روشن می‌نماید. به باور نویسنده تلاش‌های صورت‌گرفته برای ساده‌سازی نحو زبان عربی سه نقص دارد که در پژوهش خویش تلاش دارد این نقایص را برطرف سازد: ۱. بی‌توجهی به عربی‌آموزان غیرعربی‌زبان در تدوین کتب آموزشی نحو؛ ۲. نپرداختن به نحو زبان عربی و اساس قرار دادن نحو نحات گذشته و ۳. نپرداختن به اصول در ساده‌سازی نحو و اکتفا به کاهش باب‌ها، حذف جزئیات و تفصیل غیر ضروری، اختصارگرایی، و دسته‌بندی مطالب از ساده به دشوار.

۳.۶.۲ فصل اول

نویسنده این فصل را به مباحث نظری اختصاص می‌دهد و اصول و فرضیاتش را درباره نحو و آموزش آن مطرح می‌کند. ابتدا با تکیه بر روایت‌های تاریخی و استدلال‌های عقلی و نقلی اثبات می‌کند که نحو عربی برای عربی‌زبانان تدوین شده است و نه برای عربی‌آموزان غیرعربی‌زبان و انگیزه تدوین این نوع نحو تصحیح خطاهای عربی‌زبانان (لحن) بوده است. پس باید برای غیرعربی‌زبانان نحو دیگری تدوین کرد که بر اساس

خطاهای زبانی آنان (لکنت) باشد. نویسنده علاوه بر لکنت، اعتقاد دارد غیر عربی‌زبانان در عربی‌آموزی بیش‌تر دچار خطاهای ساختی و ساختاری می‌شوند که باید در تدوین و آموزش نحو عربی برای آن‌ها مورد توجه طراحان و معلمان قرار گیرد. پس از پرداختن به جایگاه نحو در زبان عربی، بر اساس رویکرد، معیار، و استدلال خود تأکید می‌کند که باید دو نوع نحو وجود داشته باشد: نحوی که دربرگیرنده نیازهای هر دو گروه باشد و آن را «نحو مشترک» می‌نامد و نحوی که تنها به گروه دوم اختصاص دارد و آن را «نحو غائب» می‌نامد.

۴.۶.۲ فصل دوم

نویسنده فصل دوم را به مباحثی چند از نحو مشترک مانند ترکیب عددی و ترکیب اضافه اختصاص می‌دهد. اما ابتدا با بهره‌گیری از محک‌های زبانی که آن‌ها را «روائز» می‌نامد، واحد نحوی را از واژه به گروه تغییر می‌دهد و تلاش می‌کند انواع گروه‌های نحوی را در زبان عربی توصیف نماید. این شیوه مؤلف در اثبات یک مفهوم ساختاری در ساختمان نحو، یادآور شیوه نوآم چامسکی در ساخت‌های نحوی است. نویسنده در توصیف جدیدش از ترکیب‌های عددی و اضافه از روایت‌های تاریخی، شم زبانی خود، استدلال عقلی، و نظریه زیرساخت و روساخت بهره می‌گیرد.

۵.۶.۲ فصل سوم

نویسنده این فصل را به شماری از مباحث نحو غائب مانند گروه اشاره، فعل مرکب حرفی، برخی ادات ربط، و تحول ساختار جمله شرطیه اختصاص می‌دهد. او تلاش می‌کند از یافته‌های زبان‌شناسان گذشته و معاصر و یافته‌های ذهنی و تجربی خویش در توصیف آن بهره ببرد. در مبحث مربوط به ادات ربط نیز می‌کوشد با تکیه بر استدلال‌های معناشناختی برخی مسائل، ابهامات و چالش‌های مطرح‌شده را حل و فصل نماید.

۶.۶.۲ خاتمه

در این بخش نویسنده اهم نتایج به‌دست‌آمده را به طور کلی فهرست می‌کند. همان‌گونه که آشکار است، عناوین فصل‌ها از انسجام و نظم منطقی برخوردار است. در درون فصل‌ها نویسنده مباحث را بر اساس اهمیت و جایگاه آن دسته‌بندی و ارائه می‌کند و مبحثی خارج از موضوع یا بی‌ربط با آن مطرح نمی‌نماید و تلاش می‌کند مباحث از ترتیب منطقی برخوردار باشد.

۷.۲ جایگاه کتاب در دیگر تألیفات

۱. ترجمه فارسی *النحو الغائب* با کوشش دو تن از اعضای هیئت علمی دانشگاه تهران، عدنان طهماسبی و جواد اصغری، از سوی انتشارات دانشگاه تهران در بهمن ۱۳۹۰ منتشر شد. ترجمه *النحو الغائب* به زبان فارسی خود به‌تنهایی گویای این است که این کتاب از چنان درون‌مایه‌ای برخوردار بوده که دو تن از اساتید دانشگاه تهران را به ترجمه آن راغب ساخته است.

۲. عیسی متقی‌زاده در مقاله «البنیة السطحية والمضمرة فی التركيب الإضافی والوصفی وأنها فی تعلیم اللغة»، بی‌گمان، چنان‌که متن و چهارچوب مقاله گویای آن است، در موضوع مورد پژوهش خود تحت تأثیر مستقیم و روشن توصیف صاحب *النحو الغائب* از ساخت ترکیب اضافه بوده است؛ به گونه‌ای که گویا فکر اولیه پژوهشش را از این کتاب دریافت کرده است.

۳. در بسیاری از آثاری که بعد از انتشار *النحو الغائب* در قالب مقاله یا کتاب به امر پژوهش و آموزش زبان عربی و نحو آن پرداخته‌اند، کتاب عمر عکاشه معمولاً در فهرست منابع آن‌ها جای گرفته است.

۳. تحلیل بیرونی و خاستگاه اثر و مؤلف آن

در این بخش عوامل، زمینه‌ها، و خاستگاه علمی، فکری، و اجتماعی اثر و مؤلف، که فضای محیطی شکل‌گیری اثر را پدید آورده‌اند، به‌اجمال، مورد بررسی قرار می‌گیرد. علاوه بر این، جایگاه اثر در میان سایر آثار مرتبط در حوزه تخصصی و نیز سیر تاریخی و شکل‌گیری آن معرفی و تحلیل می‌شود.

۱.۳ خاستگاه اثر

این کتاب به‌واقع منعکس‌کننده مطالعات زبان‌شناختی و تجربه‌های میدانی محقق است. همان‌گونه که در شرح حال نویسنده گذشت، ایشان از همان آغاز تحصیلات عالی به امر آموزش زبان عربی به عربی‌زبانان و غیر عربی‌زبانان مشغول بود و در نتیجه از نزدیک با مشکلات، چالش‌ها، و شرایط خاص این حوزه آشنا بوده است. دغدغه همیشگی او این است که برای بخشی از این مسائل راه‌حلی‌هایی کارگشا بیابد و در چهارچوبی علمی و

روزآمد آن را ارائه دهد. همه کسانی که به نوعی در حیطة زبان عربی با پژوهش و آموزش درگیر بوده‌اند، متوجه این مسئله شده‌اند که نحو عربی از چنان پیچیدگی و گستردگی‌ای برخوردار است که آموزش آن چه برای عربی‌زبانان و چه، به‌ویژه، برای غیر عربی‌زبانان با سختی‌ها و چالش‌های فراوانی همراه بوده است. نویسنده *النحو الغائب* با چهارچوب نظری‌ای که ارائه می‌دهد تلاش می‌کند بخشی از این مشکلات را مرتفع سازد.

۲.۳ جایگاه اثر

نهاد الموسی در مقدمه‌ای که بر این کتاب نگاشته، پس از ارائه تاریخچه‌ای کوتاه از آموزش زبان عربی برای عربی‌زبانان و غیر عربی‌زبانان و گزارشی از مهم‌ترین آثار تألیف‌شده در این عرصه، به جایگاه *النحو الغائب* می‌پردازد و آن را اثری ممتاز می‌شمارد که دارای دو ویژگی نظری و عملی است که نویسنده به‌خوبی توانسته است آن‌ها را با هم بیامیزد و هم‌زمان از یافته‌های زبان‌شناسی نوین و تجربه‌های میدانی خویش بهره‌برداری کند (عکاشه، ۲۰۰۳: ۱۷-۲۴).

پدیدآورنده خود نیز برای اثرش سه ویژگی برمی‌شمارد که در آثار مشابه قبلی وجود ندارد: ۱. تمایز قائل شدن میان عربی‌آموزان عربی‌زبان و غیر عربی‌زبان در آموزش زبان عربی و تدوین کتاب‌های آموزشی؛ ۲. رهایی از سیطره نحو نحوات و پرداختن به نحو زبان عربی و ۳. توجه به اصول در امر ساده‌سازی و تحول در آموزش نحو عربی (همان: ۴۱-۴۲).

اگر بخواهیم بی‌طرفانه این ادعای استاد و شاگرد را بررسی کنیم، بی‌گمان حق را به آن‌ها خواهیم داد؛ زیرا به‌واقع این اثر چنین ویژگی‌هایی را دارد. نویسنده ابتدا با دلایل میدانی‌اش ثابت می‌کند که خطاهای غیر عربی‌زبان در آموزش و یادگیری زبان و نحو عربی پس از لکنت زبانی (خطاهای آوایی)، ریشه در ساخت‌های نحوی دارد، بر همین اساس توصیه و تلاش می‌کند که توصیفی از نحو ارائه دهد که دربرگیرنده این نیاز باشد (همان: ۸۲-۸۳). او بر خلاف کسان دیگری که در امر آموزش زبان عربی فعالیت داشته و دارند، خود را در چنبره نحو نحوات اسیر نمی‌کند و تلاش دارد توصیفش را از نحو عربی با زبان عربی تطبیق دهد و نه نحوی که در کتاب‌های نحویان گذشته آمده است. یکی از کارهای اصولی‌ای که محقق حاضر بر آن تأکید دارد این است که باید هم‌نوا با زبان‌شناسی جدید، واحد نحو را از کلمه به گروه نحوی (المرکب النحوی) تغییر داد (همان: ۱۱۹-۱۷۱).

۴. تحلیل درونی و جایگاه اثر

در این بخش، موضوعات اصلی و کانونی، مبانی فلسفی و روش‌شناختی، پیش‌فرض‌ها، نظریه مطرح‌شده در اثر، شیوه استدلال و منطق حاکم بر اثر، آثار و دستاوردهای نظریه مطرح، و نیز منابع و استنادات اثر معرفی و تحلیل می‌شود.

۱.۴ موضوع اصلی و کانونی اثر

چنان‌که گذشت، این کتاب حاصل مطالعات و تجربیات نویسنده درباره زبان عربی و آموزش آن برای عربی‌زبانان و غیرعربی‌زبانان است. پدیدآورنده تلاش دارد توصیفی جدید از نحو عربی ارائه دهد تا هم از یافته‌های زبان‌شناسی جدید بهره‌مند گردد و هم برای عربی‌آموزان غیرعربی‌زبان مناسب باشد. به باور نویسنده نحو عربی با انگیزه تصحیح خطاهای عربی‌زبانان آن زمان و جلوگیری از توسعه آن پدید آمده است، به همین سبب شایسته و بایسته می‌داند برای عربی‌آموزان غیرعربی‌زبان نیز همین اصل را اساس کار قرار دهد و نحوی جدید بر اساس خطاهای زبانی آن‌ها توصیف و تدوین کند. البته نباید از یافته‌ها و دستاوردهای زبان‌شناسی جدید بی‌بهره بود یا به همه دستاوردهای نحویان گذشته پشت پا زد. بنابراین، موضوع کتاب فراخوانی است برای توصیفی جدید از نحو زبان عربی که با آموزش این زبان به غیرعربی‌زبانان سازگار باشد.

۲.۴ مبانی فلسفی و روش‌شناختی اثر

نویسنده در اثرش از علوم گوناگون زبان‌شناختی بهره برده است که در ادامه اشاره مختصری به هر کدام می‌شود.

۱.۲.۴ زبان‌شناسی نظری (theoretical linguistics)

زبان‌شناسی نظری در پی ساختن و توصیف ساخت و نقش زبان یا زبان‌ها بدون توجه به کاربرد عملی آن‌هاست. هدف زبان‌شناس نظری تنظیم نظریه‌ای دل‌خواه درباره زبان به طور کلی است. هر چند نویسنده در بخش پیش‌گفتار ادعا دارد که این شاخه از زبان‌شناسی جزو روش تحقیق اوست، اما در متن کتاب مطلبی را نمی‌یابیم که نشان دهد نویسنده در پی ارائه یا طراحی یک نظریه دل‌خواه درباره زبان است.

۲.۲.۴ زبان‌شناسی توصیفی (descriptive linguistics)

زبان‌شناسی توصیفی به بررسی علمی یک زبان یا یک لهجه در زمان و مکان مشخص می‌پردازد. مطالعه زبان‌های خاص را زبان‌شناسی توصیفی می‌نامند. به عبارت دیگر، زبان‌شناسی توصیفی داده‌هایی را برای تأیید یا رد انگاره‌ها و نظریات طرح‌شده در زبان‌شناسی عمومی فراهم می‌آورد. برای مثال ممکن است در زبان‌شناسی عمومی فرضیه‌ای باشد مبنی بر این که همه زبان‌ها مقولاتی مانند اسم یا فعل دارند؛ اما زبان‌شناسی توصیفی ممکن است با یک دلیل تجربی و عینی ثابت کند که دست‌کم زبانی وجود دارد که بین اسم و فعل تمایزی قائل نیست و بنابراین فرضیه مذکور رد می‌شود. از آن‌جا که عمر عکاشه موضوع کتابش را به توصیف نحو زبان عربی اختصاص داده است، بی‌گمان می‌توان زبان‌شناسی توصیفی را یکی از مبانی فکری و روش‌شناختی آن قلمداد کرد.

۳.۲.۴ زبان‌شناسی تاریخی (historical linguistics)

زبان‌شناسی تاریخی به بررسی تحول یک زبان در طی قرن‌ها می‌پردازد. زبان‌شناسی تاریخی همان توصیف در زمانی و زبان‌شناسی غیرتاریخی توصیف هم‌زمانی زبان است. عمر عکاشه در برخی بخش‌های کتاب مانند مبحث «ترکیب عددی و تحول ساختاری جمله شرطیه» رویکردی تاریخی به زبان دارد و تلاش می‌کند تحولات زبانی را در طی تاریخ مورد توجه قرار دهد و یافته‌های به‌دست‌آمده از این ره‌گذر را در امر آموزش نحو عربی به‌کار بندد (همان: ۱۳۲-۱۸۶، ۳۵۲-۳۸۲).

۴.۲.۴ زبان‌شناسی کاربردی (applied linguistics)

زبان‌شناسی کاربردی حوزه‌ای بینارشته‌ای است که به بررسی و ارائه راه‌حل‌هایی برای حل مشکلات واقعی مرتبط با زبان می‌پردازد. برخی از حوزه‌های علمی زبان‌شناسی کاربردی عبارت‌اند از: «آموزش زبان»، «زبان‌شناسی حقوقی»، «روان‌شناسی زبان»، «جامعه‌شناسی زبان»، و «عصب‌شناسی زبان». از حوزه‌های مذکور در زبان‌شناسی کاربردی، اثر نویسنده به حوزه آموزش زبان تعلق می‌گیرد؛ زیرا همان‌گونه که خود بیان می‌کند یکی از اهداف این اثر حل مشکل عربی‌آموزان غیرعربی‌زبان در آموزش و یادگیری نحو عربی است.

۵.۲.۴ نظریه زیرساخت (deep structure)

نظریه روساخت و زیرساخت، که همراه با زبان‌شناسی زایشی مطرح شد، بر این باور استوار

است که ساخت‌های نحوی یک زبان دارای دو لایه‌اند: یکی لایه بیرونی و صوری و دیگری لایه درونی و انتزاعی. نویسنده از این ایده برای حل برخی مشکلات ساختی در نحو عربی استفاده می‌کند. یکی از جاهایی که به‌خوبی از این نظریه بهره‌برداری کرده توصیف ترکیب اضافه (معنوی و لفظی) است (همان: ۱۸۷-۲۳۸).

۶.۲.۴ سطح نحوی جمله (pure syntax)

در این سطح زبان‌شناس به ساخت‌های نحوی یک زبان و اصول و قواعد و مفاهیم مطرح در آن می‌پردازد. در *النحو الغائب*، چنان‌که از عنوان آن آشکار است، سطح نحو یکی از اصلی‌ترین محورهای مورد بحث است.

۷.۲.۴ سطح معنایی (semantics)

این سطح به مطالعات و تحقیقاتی مربوط می‌شود که به مفاهیم، اصول، قواعد، و انواع دلالت و معنای زبان می‌پردازد. نویسنده از این نوع پژوهش‌ها و یافته‌ها و اصول آن در جای‌جای کتاب بهره می‌برد، اما بهره‌برداری او در زمینه به‌سامان کردن ادات ربط روشن‌تر است؛ به‌ویژه هنگامی که تلاش دارد اصطلاحات مربوط به این ادات را با توجه به دلالت‌های آن‌ها و کارکردی که دارند، سازگار و مناسب سازد (همان: ۲۹۵-۲۹۶).

۸.۲.۴ شمّ زبانی

یکی از منابع و ابزارهایی که زبان‌شناس می‌تواند از آن در پژوهش‌های زبان‌شناختی خویش بهره‌برد شمّ زبانی خود و گویش‌وران زبان یا لهجه مورد پژوهش است. بهره‌گیری از این ابزار اگر از طرف گویش‌وران باشد، بسیار راه‌گشا خواهد بود، اما استفاده زبان‌شناس از شمّ زبانی خود گاه او را به بی‌راهه سوق می‌دهد. چنان‌که نویسنده حاضر گاه با اعتماد به همین ابزار به حدس‌های ثابت‌نشده دست یافته است. مثلاً در مبحث ترکیب عددی وجود «تاء» را نشانه تأیید نمی‌داند و آن را تحول‌یافته نوعی «هاء» سکت می‌شمارد که در گذشته بسیار دور در پایان اعداد تلفظ می‌شده است (همان: ۱۷۲-۱۸۶). اما بهره‌گیری از شمّ زبانی گویش‌وران عرب او را در اثبات نظرها و اندیشه‌هایش یاری رسانده است؛ مثلاً در اثبات این که واحد نحو باید گروه باشد و نه کلمه، پس از به‌کارگیری محک‌های زبانی، از شمّ زبانی عرب‌ها به‌منزله محکی مستقل استفاده می‌کند و جالب این که به نتیجه‌ای مشترک دست می‌یابد (همان: ۱۲۰-۱۷۱).

۳.۴ پیش فرض‌ها و نظریه مطرح شده در کتاب

نویسنده با طرح افقی نو و به‌کارگیری ادبیات علمی روزآمد، تلاش دارد نگاه عربی‌پژوهان و عربی‌آموزان را به توصیف و آموزشی متفاوت از نحو عربی معطوف نماید که در آن دانش‌های گوناگون زبانی در کنار هم در آموزش زبان عربی مورد هم‌افزایی قرار می‌گیرند و با دسته‌بندی نحو عربی به نحو مشترک (برای عربی‌زبانان و غیرعربی‌زبانان) و نحو غائب (مختص غیرعربی‌زبانان)، مباحثی جدید در حیطه آموزش زبان عربی مطرح می‌کند که به باور نویسنده گسترش‌پذیر است. این مباحث بر اساس خطاهای عربی‌زبانان و عربی‌آموزان شکل می‌گیرد. گزارش و بررسی این موارد نشان می‌دهد نویسنده توانسته است با به‌کارگیری یک نگرش، رویکرد، پیش، و روش متفاوت در پژوهش و آموزش دستور زبان عربی، افقی نو برای خود و دیگران بگشاید که در اثر حاضر به نتایج ملموس و جدیدی برای آن دست یافته است، به طوری که انگیزه کافی برای ادامه پژوهش و آموزش در چهارچوب این اثر برای خود و دیگران فراهم نموده است.

۴.۴ شیوه استدلال و منطق حاکم بر اثر

نویسنده به نحو مطلوبی از ابزارهای لازم علمی برای تفهیم موضوع بهره گرفته است. به این صورت که در بیان یک موضوع ابتدا مقدمه‌چینی می‌کند تا خواننده آماده درگیر شدن با یک چالش واقعی شود. سپس از منظرهای مختلف به آن می‌نگرد و سعی دارد راهکارهای گوناگون ارائه شده از قبل یا محتمل را دوباره امتحان کند و درنهایت، راهکار خود را به گونه‌ای عرضه می‌کند که خواننده قبول نماید آخرین و بهترین راهکار مناسب است. در پایان، نتیجه‌گیری می‌کند و یافته‌هایش را در قالب فرمول، جدول، نمودار، و تصویر درمی‌آورد و تمریناتی را برای نمونه طرح می‌کند. استفاده از این ابزارها، مخصوصاً فرمول، در مراحل ارائه مباحث و نتیجه‌گیری از آن‌ها، به قدری است که نیاز به استناد ندارد.

نویسنده در به‌کارگیری اصطلاحات تخصصی سه رویکرد دارد: در مواردی مانند صفحات ۲۹، ۸۳، ۸۴، و ۹۱ تا ۹۳ همان اصطلاحات متداول را به کار می‌برد. در مواردی دیگر اصطلاح دقیق‌تر و مناسب‌تر را برمی‌گزیند، چنان‌که در صفحه ۳۱ مقدمه، اصطلاح «تعلیم اللغة العربية لغير الناطقين بها» را به سبب رسایی و روانی آن بر دیگر اصطلاحات مشابه ترجیح می‌دهد و در مواردی هم مانند «فاء النتيجة» در صفحه ۳۴۶، و «أداة المناقضة»

در صفحه ۳۸۹، دست به اصطلاح‌سازی و معادل‌یابی می‌زند؛ زیرا معتقد است اصطلاحات موجود از رسایی و جامعیت لازم برخوردار نیستند. در کل، نویسنده در کیفیت و میزان کاربرد معادل‌سازی اصطلاحات تخصصی حد اعتدال را نگه داشته است؛ که این مسئله نشان‌دهنده اهتمام او به روان و رسا بودن اصطلاحات برای مخاطب اثر است.

۵.۴ آثار و دستاوردهای نظریه مطرح‌شده در کتاب

این اثر دارای دستاوردهایی است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. نحو زبان عربی را به گونه‌ای دیگر نیز می‌توان توصیف کرد؛
۲. نحوی که در کتاب‌های گذشتگان توصیف شده کمبودهایی دارد که می‌باید با بهره‌گیری از یافته‌های زبان‌شناسی جدید برطرف و روزآمد شود؛
۳. از نظریه زیرساخت می‌توان برای حل برخی ابهامات نحو زبان عربی استفاده کرد؛ چنان‌که مؤلف در مبحث ترکیب اضافه چنین کرده است (همان: ۱۸۷-۲۳۸)؛
۴. ادات ربط از جمله مباحثی است که مؤلف از طریق ملاک قرار دادن دلالت و معنا به آن سامانی نو بخشیده است (همان: ۲۹۵-۳۹۶).

۶.۴ منابع و استنادات اثر

از مواردی که موثق بودن یک اثر را اثبات می‌کند کتاب‌هایی است که نویسنده در نگارش کتابش از آن‌ها استفاده کرده است. خواننده با دیدن مصادر و منابع کتاب و بررسی آن‌ها به اهمیت کتاب و درجه علمی آن پی می‌برد. از این رو، قسمت مصادر یک اثر علمی نقش مهمی در شناساندن آن ایفا می‌کند. میزان روزآمدی داده‌ها و اطلاعات اثر به سبب ارجاع به منابع جدید یا مواردی از این دست اهمیت به‌سزایی دارد.

نویسنده در این اثر از منابع جدید و روزآمد بهره برده و از داده‌ها و اطلاعات آن‌ها استفاده کرده است، هر چند بیش‌تر به منابع کلاسیک مراجعه کرده و ارجاع و استناد به منابع جدید، مخصوصاً از نوع غربی آن، که موطن زبان‌شناسی با همه انواع آن است، به نسبت منابع کلاسیک زبان عربی کم‌تر است. با این همه، تلاش کرده است مطالبش را با زبانی نو و روزآمد بیان کند و از منابع گوناگون در هنگام احساس نیاز و به فراخور تناسب و ارتباط استفاده نماید.

نویسنده در این اثر از چند نوع منبع استفاده کرده است: منابع کلاسیک در زبان عربی، پایان‌نامه‌های دانشگاهی، مقالات مجلات و همایش‌ها، منابع جدید در زبان عربی، و منابع لاتین. این تنوع در منبع‌دهی نشان‌دهنده دامنه گسترده مطالعات نویسنده است. جز این‌که منابع لاتین آن به نسبت جایگاه این نوع منابع و منابع کلاسیک بسیار کم به نظر می‌رسد؛ زیرا بدون تردید، منابع لاتین در حوزه زبان‌شناسی منابع دست اول به شمار می‌روند. میزان استفاده از این منابع هم به این صورت است که نویسنده تنها در مواردی که در مبحث مورد نظر احساس نیاز و ارتباط نموده، به این منابع مراجعه کرده است و از مراجعه مکرر و نقل قول‌های بی‌درپی پرهیز کرده است. نویسنده کمال امانت‌داری و دقت را در منبع‌دهی رعایت کرده است، به گونه‌ای که ارجاعات و استنادات در این کتاب کاملاً با اصول منبع‌دهی علمی مطابقت دارد.

نویسنده در این اثر در نقد و بررسی‌های خود از آرا و نظریات دیگران کمال بی‌طرفی را حفظ کرده است و تنها دغدغه او در این میان کشف مجهول و روشن شدن درست از نادرست بوده است. هر کجا نظری را درست یافته بدان تصریح می‌کند و هر جا نظری را نادرست یا ناقص یافته، بی‌طرفانه به تبیین آن پرداخته است. در مواردی هم که نتوانسته درستی یا نادرستی یک دیدگاه را به طور قطع تبیین کند از جزمیت پرهیز نموده و آن را محتاج بررسی و مطالعه بیشتر دانسته است؛ برای نمونه در مبحث «لام التعلیل» در صفحه ۳۱۰، نظر بصریان را بر نظر کوفیان ترجیح می‌دهد و در مبحث ترتیب اصلی «ادات شرط، جمله شرط، و جمله مشروط» در صفحه ۳۶۱، نظر کوفیان را صائب می‌داند. این نشان‌دهنده آن است که نویسنده جز دغدغه علمی انگیزه دیگری ندارد.

۷.۴ تحلیل و بررسی میزان هماهنگی مفاد اثر با اصول و مبانی مفروض آن

محتوای علمی و پژوهشی اثر کاملاً با مبانی و پیش‌فرض‌های مورد قبول آن مطابق است؛ به طوری که در محتوای کتاب مبحثی وجود ندارد که با مبانی و پیش‌فرض‌های اعلام‌شده ناسازگار باشد.

۸.۴ تحلیل و بررسی میزان ارتباط و چالش مفاد اثر با مبانی و اصول دینی و اسلامی

در اثر حاضر هیچ‌گونه ناسازگاری‌ای با مبانی و اصول دینی و اسلامی مشاهده نشد، بلکه در مواردی نوعی گرایش از جانب نویسنده نسبت به این مبانی و اصول هم مشاهده

می‌شود. نویسنده رویکرد مثبتی به فرهنگ و ارزش‌های دینی اسلامی دارد، به طوری که مقدمه (صفحه ۲۵ تا ۳۳) را با حمد خدا و درود بر پیامبر (ص) شروع می‌کند و در مباحث و بیان نظره‌ایش در مواردی از آیات و احادیث به منزله شاهد و مثال استفاده می‌نماید (آیات: صفحات ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۸۳، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۵، ۲۶۸، ۳۱۹، ۳۲۵، ۳۲۷، ۳۵۱، ۳۵۹، ۳۶۸، ۳۷۱، ۳۷۳، ۳۷۶ و ۳۷۷؛ احادیث: صفحات ۱۸۳ و ۳۶۹). این موارد نشان می‌دهد نویسنده به فرهنگ و ارزش‌های دینی توجه داشته و هنگام احساس نیاز و مشاهده تناسب و ارتباط از آن بهره گرفته است.

۵. نتیجه‌گیری

۱. کیفیت شکلی و چلپی اثر از لحاظ حروف‌نگاری، صفحه‌آرایی، صحافی، و طرح جلد خوب و مطلوب ارزیابی می‌شود؛
۲. رعایت قواعد عمومی ویرایش و نگارش در این اثر مطلوب و مناسب است. به طوری که خواننده در آن با مشکلی روبه‌رو نمی‌شود؛
۳. جامعیت صوری این اثر نسبتاً مطلوب است، به طوری که غیر از فهرست موضوعی، اعلام، خلاصه، و کتاب‌شناسی حاوی دیگر بخش‌های یک اثر فنی است؛
۴. مبانی فکری و روش‌شناختی این اثر ریشه در شاخه‌های مختلف زبان‌شناسی دارد؛ از جمله زبان‌شناسی توصیفی، زبان‌شناسی کاربردی، زبان‌شناسی تاریخی، نظریه زیرساخت، و سطح معنا؛
۵. میزان و چگونگی بهره‌گیری از ابزارهای لازم علمی (طرح بحث مقدماتی، نتیجه و جمع‌بندی نهایی، تمرین و آزمون، جدول، تصویر، نمودار، و نقشه) برای تفهیم موضوع در این اثر خوب ارزیابی می‌شود؛
۶. کیفیت و میزان کاربرد و معادل‌سازی اصطلاحات تخصصی در این اثر (با توجه به روان و رسا بودن نزد مخاطب تخصصی آن) در حد خوب و مناسب ارزیابی می‌شود؛
۷. محتوای اثر با عنوان و فهرست کاملاً منطبق است؛
۸. نویسنده در این اثر از منابع جدید و روزآمد بهره برده و از داده‌ها و اطلاعات آن‌ها استفاده نموده است. هر چند بیش‌تر به منابع کلاسیک مراجعه کرده است؛
۹. نویسنده در این اثر از چند نوع منبع استفاده کرده است: منابع کلاسیک در زبان عربی، پایان‌نامه‌های دانشگاهی، مقالات مجلات و همایش‌ها، منابع جدید در زبان عربی، و منابع

لاتین. این تنوع در منبع دهی نشان‌دهنده دامنه گسترده مطالعات نویسنده است. جز این‌که منابع لاتین آن به نسبت جایگاه این نوع منابع و منابع کلاسیک بسیار کم به نظر می‌رسد؛

۱۰. نویسنده مباحث را بر اساس اهمیت و جایگاه آن دسته‌بندی و ارائه می‌کند و مبحثی خارج از موضوع یا بی‌ربط با آن مطرح نمی‌نماید و تلاش دارد محتوا و مطالب فصل‌ها از نظم و انسجام منطقی برخوردار باشد و به همین روی آن‌ها را شماره‌گذاری می‌نماید؛

۱۱. نویسنده کمال امانت‌داری و دقت در منبع‌دهی را رعایت کرده است، به طوری که ارجاعات و استنادات در این کتاب کاملاً با اصول منبع‌دهی علمی مطابقت دارد؛

۱۲. نویسنده در این اثر در نقد و بررسی‌هایش از آرا و نظرات دیگران کمال بی‌طرفی را حفظ کرده و تنها دغدغه او در این میان کشف مجهول و روشن شدن درست از نادرست بوده است؛

۱۳. محتوای علمی و پژوهشی اثر کاملاً با مبانی و پیش‌فرض‌های مورد قبول آن مطابق است؛ به طوری که در محتوای کتاب مبحثی وجود ندارد که با مبانی و پیش‌فرض‌های اعلام‌شده ناسازگار باشد؛

۱۴. در اثر حاضر هیچ‌گونه ناسازگاری با مبانی و اصول دینی و اسلامی مشاهده نشد؛ حتی در مواردی نوعی گرایش از جانب نویسنده به این مبانی و اصول مشاهده می‌شود؛

۱۵. این کتاب بیش‌تر از آن‌که به مثابه یک کتاب آموزشی باشد، اثری است پژوهشی که به خوانندگانش نگرش، بینش، رویکرد، و روشی متفاوت می‌دهد تا با آن دستور زبان عربی را توصیف و تفسیر کنند و آموزش بدهند. بسیار مناسب است که همه عربی‌پژوهان و عربی‌آموزان در ایران مخصوصاً دانشگاهیان، این کتاب را مطالعه کنند و در پژوهش و آموزش زبان عربی از نگرش، روش، و یافته‌های آن بهره ببرند و در مواردی تلاش نمایند مباحث آن را تکمیل کنند یا گسترش دهند.

۱۶. با این همه، پذیرفتن این ادعای نویسنده که نحو عربی بر محور اعراب شکل گرفته و در آن به ساخت‌های نحوی کم‌توجهی شده کمی دشوار است؛ زیرا در همین کتاب‌های نحوی، گاهی بحث‌های عمیق و دقیقی دربارهٔ زیرساخت و روساخت جمله‌های عربی مطرح می‌شود که مشابه آن را تنها در زبان‌شناسی جدید و پیشرفته‌تر امروزی می‌توان یافت. از طرف دیگر علم معانی در کتاب‌های بلاغت رویکردی کاملاً ساختارگرا به مباحث نحوی دارد. فقط مشکل این است که مباحث ساختاری مطرح در آثار گذشتگان مهجور و غیرروزآمد است و نیاز به احیا و بازپژوهی دارد.

منابع

قرآن کریم.

عکاشه، حسن عمر یوسف (۱۳۹۰). النحو الغائب، ترجمه عدنان طهماسبی و جواد اصغری، تهران: دانشگاه تهران.

عکاشه، حسن عمر یوسف (۱۴۲۸ ق). «(إِنَّ) و(أَنَّ) و(إِنْ) و(أَنَّ) و(إِنْ): دراسة في العلاقات التركيبية والتطور اللغوي»، مجلّة جامعة أمّ القرى لعلوم الشريعة واللغة العربيّة وآدابها، المجلّد تسعة عشر، العدد واحد وأربعون. عکاشه، حسن عمر یوسف (۱۹۹۷). العربيّة الوظيفيّة: كتاب الأصوات - المُستوى الأوّل، عمان: جامعة آل البيت / سلسلة جامعة آل البيت لتعليم اللغة العربيّة لغير الناطقين بها.

عکاشه، حسن عمر یوسف (۲۰۰۲). «قواعد التّعبير عن الزّمن الماضي في اللغة العربيّة»، الجامعة الإسلاميّة العالميّة، مجمع البحوث الإسلاميّة، الدّراسات الإسلاميّة، العدد الرابع، المجلّد السابع والثلاثون. عکاشه، حسن عمر یوسف (۲۰۰۳). «وجوه العلاقة الدلاليّة في باب المفعول من أجله وما هو بمنزلة»، منشورات جامعة اليرموك - عمادة البحث العلميّ والدّراسات العُليا، أبحاث اليرموك، المجلّد الحادي والعشرون، العدد الثاني.

عکاشه، حسن عمر یوسف (۲۰۰۳). النحو الغائب، بيروت: المؤسسة العربية للدراسات والنشر. عکاشه، حسن عمر یوسف (۲۰۰۴). «(أَنَّ) أداة ربط وإظهار لا أداة توكيد»، منشورات جامعة اليرموك - عمادة البحث العلميّ والدّراسات العُليا، أبحاث اليرموك، المجلّد الثاني والعشرون، العدد الثاني.

عکاشه، حسن عمر یوسف (۲۰۰۶). «میز العنصر المتصاقبة دلاليّاً في اللغة العربيّة»، استكمالاً للنقص في كتب تعليمها للناطقين بغيرها، البلقاء للبحوث والدّراسات، عمادة الدّراسات العُليا والبحث العلميّ، جامعة عمّان الأهليّة، المجلّد الواحد والعشرون، العدد الثاني.

عکاشه، حسن عمر یوسف (۲۰۰۸). «من قضايا فعل القول (قال) في اللغة العربيّة»، مجلّة مجمع اللغة العربيّة الأردنيّ، العدد اربعة و سبعون، السّنة الثانيّة والثلاثون.

عکاشه، حسن عمر یوسف و محمود الحلحولي (۱۹۹۷). العربيّة الوظيفيّة: المهارات الأساسيّة - المستوى الثاني، عمان: منشورات جامعة آل البيت / سلسلة جامعة آل البيت لتعليم اللغة العربيّة لغير الناطقين بها.

متقی زاده، عیسی (۱۳۸۸). «البنية السطحية والمضمرة في التركيب الإضافي والوصفي وأثرها في تعليم اللغة»، تهران: مجلّة علمی - پژوهشی انجمن علمی زبان و ادبیات عربی ایران، ش ۱۱.